

دوفصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)  
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۲۲، پیاپی ۱۰۷،  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷ / صفحات ۱۷۶-۱۴۷

## بررسی تطبیقی تصاویر جنیان حاضر در کربلا در کتب چاپ سنگی عصر ناصری با روایات اسلامی (مطالعه موردی طوفان البكاء)<sup>۱</sup>

مصطفی لعل شاطری<sup>۲</sup>

هادی وکیلی<sup>۳</sup>

علی ناظمیان فرد<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۵

تاریخ تصویب: ۹۷/۱۲/۱۸

### چکیده

طبق روایات دینی جن موجودی غیرمادی است که با برخورداری از شعور و هستی غیرارگانیکیک در سلسله مراتب هستی، از نظر جایگاه پایین تر از انسان و بالاتر از حیوان قرار دارد. بنا بر روایات اسلامی، گروهی از جنیان پس از بعثت پیامبر اکرم(ص) به آن حضرت ایمان آوردند و در زمره مسلمانان جای گرفتند. اینان پس از رحلت نبی مکرم اسلام، به پیروی از ائمه اطهار(ع) پرداختند و در مواقع لازم، آمادگی خود را برای فداکاری ابراز نمودند. گزارش‌های منابع از حضور گروهی از آن‌ها در کربلا برای حمایت از امام حسین(ع) را می‌توان

---

۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2018.3622

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه فردوسی مشهد؛ mostafa.shateri@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد(نویسنده مسئول)؛ vakili@um.ac.ir

۴. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد؛ nazemian@um.ac.ir

مصادق این مدعا به شمار آورد. دیدار گروهی از جنیان با سیدالشهدا(ع) در کربلا، موضوعی است که مورد توجه تصویرگران و نقاشان عصر قاجار همچون میرزا علیقلی خوئی قرار گرفته و به خلق تصاویری در این زمینه منجر شده است. این که تصاویر موجود در چاپ سنگی «طوفان البكاء» در عصر ناصری، (قطع نظر از وثاقت یا عدم وثاقت تاریخی) (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق) تا چه میزان با روایات اسلامی انطباق دارد، مسئله‌ای است که این مقاله می‌کوشد تا به روش کیفی و تحلیلی محتوای تصاویر، به تبیین آن همت گمارد و نیز برخی از ابهامات موجود در خصوص حضور زعفر را برطرف نماید.

### واژه‌های کلیدی: جن، امام حسین(ع)، کربلا، چاپ سنگی، طوفان البكاء،

عصر ناصری.

### مقدمه

جن از عمده‌ترین موجودات مجردی است که در قرآن کریم به تصریح از آن سخن رفته است. هر چند این موجودات به حیث هستی غیرارگانیک خود قابل مشاهده برای همگان نیستند، اما بنا به گزارش برخی منابع روایی، در مواقع نادری بر اولیای الهی ظاهر شده‌اند و همین امر دستمایه تصویرگران در صورت تصویرپردازی از آن‌ها شده است. چنان که بخشی از این تصاویر در نقاشی‌های کتب چاپ سنگی عصر ناصری، به‌ویژه طوفان البكاء، بازتاب یافته‌اند.

چاپ سنگی در تاریخ چاپ، دوره‌ای خاص محسوب می‌شود، به نحوی که از اواسط قرن ۱۹م. تا اواخر قرن ۲۰م. اکثر کتاب‌ها به روش چاپ سنگی منتشر و متعاقباً رایج‌ترین شیوه چاپ در ایران دوره قاجار محسوب می‌گردید. با توجه به ویژگی‌های این نوع چاپ، یکی از ارکان آن، گنجاندن تصاویر برای درک بهتر متن و سیر حوادث بود. این تصاویر، عرصه جلوه‌نمایی توانمندی‌های هنری و باورهای رایج فرهنگی جامعه عصر هنرمندان با مضامین برگرفته از آیات و روایات، بر محور شخصیت‌های مقدس محسوب می‌گردید و در این میان، شخصیت ممتاز امام حسین(ع) و واقعه‌ی کربلا از جایگاهی منحصر به فرد برای هنرنمایی مصوران برخوردار بود.

«طوفان البكاء فی مقاتل الشهداء»، اثر محمدابراهیم جوهری هروی، از معروف‌ترین مقتل‌های فارسی است که در عصر قاجار در قالب نظم و نثر با درونمایه‌ای از مصائب اهل بیت به‌ویژه امام حسین(ع) در چاپ سنگی منتشر شد. این کتاب که با پیوند متن و تصویر، وقایع ضمنی شهادت سیدالشهدا(ع) را به‌نحوی منحصر به فرد به نظم و تصویر کشیده است، حضور گروهی از جنیان در

کربلا- که تا پیش از آن در نگاره‌های عاشورایی جایگاهی نداشت - برای یاری امام حسین (ع) را تصویرپردازی کرده است.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌هایی در زمینه مصورسازی حوادث کربلا و ویژگی‌های هنری این تصاویر به صورت گرفته است، اما به‌نقش روایات و تفاسیر دینی در خلق این آثار، به ویژه حضور جنیان، بسیار اندک اشاره گردیده و در این میان صرفاً مهناز شایسته‌فر در حضور واقعه عاشورا در نگارگری صفوی و قاجار، علی بوذری در چهل طوفان و اولریش مارزلف در تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی، اشاراتی گذرا و عمومی در این باره داشته‌اند که آن نیز فارغ از توجه به بُعد اسنادی و موضوع مورد نظر می‌باشد. لذا در این نوشتار سعی شده به این پرسش پاسخ داده شود که تصاویر حضور جنیان در نزد امام حسین (ع) در کتاب چاپ سنگی طوفان‌البکاء در عصر ناصری تا چه میزان با روایات اسلامی مطابقت دارد و تا چه حدی متن متأثر از پیشامتن می‌باشد؟ هرچند تأثیر هنر غرب و باورهای عامیانه در آثار هنری این دوره از تاریخ ایران آشکار است، اما باورهای دینی و روایات اسلامی به مثابه عنصر غالب در این گونه آثار نمایان است.

در این مقاله تلاش می‌گردد از زوایای مختلف هنری- تاریخی، ابتدا به توصیف ویژگی‌های ظاهری، اسلام‌آوری جنیان و حضور آنان در واقعه کربلا در منابع اسلامی - به دور از رویکرد حدیث‌شناسانه - به‌عنوان پایه‌ای برای دستیابی به تحلیل تصاویر مبتنی بر روایات پرداخته و سپس با اشاره به عصر قاجار و نحوه خلق این تصاویر، میزان تطبیق ویژگی‌های ترسیم‌شده از جنیان را در کتاب طوفان‌البکاء با روایات دینی ارزیابی و ابهاماتی همچون حضور زعفر در تاریخ‌نگاری افرادی همچون واعظ کاشفی مورد بررسی و به عوامل تأثیرگذار در وجوه شباهت و تناقض پرداخته شود. همچنین متذکر می‌شود که این نوشتار به‌هیچ‌وجه رویکرد کلامی و حدیث‌شناختی نداشته و قصد ندارد که نشان دهد روایات مربوط به حضور جنیان در تاریخ و در کربلا صحت دارد یا خیر، عاقلانه است یا غیر عاقلانه و امثال آن. در واقع آنچه برای نویسنده مهم است حضور گزارش‌ها و داستان‌هایی درباره جنیان در متون مذهبی مسلمانان و شیعیان است، خواه این گزارش‌ها معتبر و واقع‌نما باشد و خواه مجعول و نادرست. چرا که این گزارش‌ها و روایات، باورداشت‌هایی است که برای شماری از مؤمنان و مورخان پذیرفته شده و سپس در آثارشان منعکس گردیده و به‌ویژه براساس آن‌ها صورت‌پردازی و تصویرنگاری‌هایی صورت پذیرفته است که در این پژوهش مورد اهمیت می‌باشد.

## ویژگی‌های ظاهری جنیان و اسلام‌آوری آنان

با مذاقه در منابع مسلمانان می‌توان دریافت که نخستین اشارات بر حضور جنیان، نام‌بردن از آنان به عنوان اولین ساکنان زمین بوده‌است، چنان‌که در پی ایجاد فساد فراگیر، توسط شیطان تأدیب و هر گروه به ناحیه‌ای از زمین پناه برده و مخفی شدند (طبری، ۱۳۷۵: ۵۲/۱؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷۴/۱؛ بکری، ۱۴۱۱: ۱۳۲؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۳۶-۳۷؛ ابن طاووس، بی‌تا: ۳۴؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۱). درباره‌ی وجه تسمیه جن گفته شده که «جن» به معنی پوشیده است و بهشت را جنه گویند، چون زمینش پوشیده از درخت است و نیز سپر را جنه نامند چون انسان را می‌پوشاند و همچنین جنون هم پوشنده خرد است و جنین هم در شکم مادر نهران است؛ از این رو این موجودات را جن نامیده‌اند چون با چشم دیده نمی‌شوند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۷۰/۱؛ مجلسی، ۱۳۵۱: ۲۶۳/۷؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۲۹/۲؛ راغب‌اصفهانی، ۱۳۶۲: ۹۸). همچنین جن، جسمی است لطیف که به تمامی اشکال می‌تواند ظاهر شود و موجب خلق اموری عجیب گردد (مجلسی، ۱۳۵۱: ۲۲۲/۷).

جن به‌عنوان موجود پوشیده از حواس انسان در قرآن کریم، به آن اشاره گردیده و شواهد قرآنی حاکی از آن است که این نوع از مخلوقات، قبل از نوع بشر و از جنس آتش خلق شده‌اند<sup>۱</sup> (حجر: ۲۷). این موجودات به مانند انسان، زندگی و مرگ و قیامت دارند (احقاف: ۱۸) و مانند سایر جانداران از تمایز جنسی و ازدواج و تولد و تکاثر برخوردارند (جن: ۶). اینان دارای شعور و اراده بوده و از توانایی انجام اموری منحصر به فرد که از نوع بشر ساخته نیست، برخوردارند. نمونه‌هایی از این موارد را می‌توان در آیات مربوطه به قصص سلیمان (ع) و تسخیر جنیان به وسیله او و نیز در ماجرای شهر سبا یافت<sup>۲</sup> (ابن‌القیه، ۱۴۱۶ق: ۲۳۸؛ مقدسی، بی‌تا: ۱۰۸/۳). از حیث شمار تعداد آن‌ها بیش از انسان است و گفته‌اند که شمار انسان یک دهم جن و از عمری بسیار طولانی برخوردارند (مجلسی، ۱۳۵۱: ۲۰۰/۳؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۳۷۸: ۵۸۰-۵۷۸؛ ابن‌سینا، ۱۳۶۶: ۷۴).

---

۱. گروهی معتقدند جن از مارچ و مارچه پدید آمده‌است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۲۹۷). مارچه به معنای زبانه آتش و مختلط با هوا می‌باشد که در برخی روایات با توجه به آیه ۱۵ سوره الرحمان پدر جن نامیده می‌شود (ابن‌طیفور، بی‌تا: ۹؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۷۸؛ ابن‌طاووس، ۱۳۷۵: ۱۴۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳۶/۲۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۲۱/۶) و حضرت علی (ع) پدر جن را کسی دانسته‌اند که از «مارچ مِنَ النار» آفریده شده‌است (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۸۸۷/۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱۹۰/۵؛ مجلسی، ۱۳۵۱: ۶۰/۷).

۲. نقل شده‌است که اردوگاه سلیمان یکصد فرسخ بود بیست و پنج فرسخ انس بود و بیست و پنج فرسخ جن و بیست و پنج فرسخ وحوش و بیست و پنج فرسخ پرندگان و هزار خانه از آبگینه داشت (طبری، ۱۳۷۵: ۴۰۳/۲؛ بلعمی، ۱۳۷۸: ۲۲/۱؛ علم‌الهدی، ۱۹۹۸: ۷۲/۲؛ ابن‌حمزه طوسی، ۱۴۱۹: ۱۷۰؛ ابن‌طاووس، ۱۳۷۵: ۱۳۱).

در مواردی انسان‌ها در محافل آنان حضور یافته و گاه جنیان نیز در چهره انسان درآمده و به معاشرت آدمیان می‌پردازند (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۶۱؛ واقدی، ۱۳۷۴: ۱۵۵/۱؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۳۶/۲). جن همچنین مانند انس در دو گروه مؤمن و کافر؛ فرمانبر و نافرمانبر قرار می‌گیرند. چنان‌که بعضی ایمان دارند و بعضی کافر و یهودی و نصرانی و دارای ادیان مختلفی هستند<sup>۱</sup> (علی‌بن موسی، ۱۴۰۶: ۹۱؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۲/۵) که در قرآن<sup>۲</sup> نیز بدان اشاره شده‌است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۹/۲۰).

با وجود این، جن دارای جسمی لطیف است که به تمامی اشکال می‌تواند ظاهر شود و موجب خلق اموری عجیب گردد (مجلسی، ۱۳۵۱: ۲۲۲/۷). کلینی می‌نویسد: «خداوند جن و آنچه به مانند آن‌ها است را توانا ساخته که بتوانند بر خود فراهم شوند و به برخی عناصر خویش تکیه کنند و به وضعی در آیند که مردم آن‌ها را نتوانند دید و به صورت دیگر جانداران جلوه کنند زیرا آن‌ها جسم رقیقی دارند که این تشکل در آن امکان دارد» (کلینی، ۱۳۸۲: ۱۵۱/۲). نیز گروهی بیان داشته‌اند که جنیان می‌توانند به ویژگی‌های جسمانی گوناگونی تغییر یابند و در صور مثالی ظاهر شدند. بر این اساس می‌توان دریافت که درک صور مثالی با چشم امکان‌پذیر است (هروی، ۱۳۶۳: ۱۹۶).

مسعودی در مروج الذهب و معادن الجواهر در فصلی تحت عنوان ذکر گفتار عربان دربارهٔ غول و ظهور غول و آنچه مربوط به این باب است به توضیحاتی پرداخته که در آن مراد از غول به احتمال فراوان جن بوده‌است: «عربان پنداشتند غول در خلوت ظهور می‌کند و به صورت‌های مختلف بر خواص قوم نمودار می‌شود که با آن سخن گویند و احیاناً با آن نزدیکی کنند و در اشعار خویش از این مقوله سخن بسیار دارند [...] و پنداشتند که پاهای غول به شکل پای بز ماده است. وقتی غول در بیابان‌ها متعرض ایشان می‌شد شعری می‌خواندند که مضمون آن این است: ای پای بز! هرچه خواهی بانگ بز که ما زمین هموار و راه را رها نخواهیم کرد [...] یکی از شعرا در وصف آن گوید: سُم بز با ساق پای چاق و مژه‌ای که به خلاف مژه انسان دراز است» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۵۰۹/۱-۵۰۷؛ و نیز ن.ک: ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۴۱۳/۱۹). علاوه بر این روایت شده‌است که پیش از ظهور اسلام، عرب‌ها معتقد بودند که بعضی جنیان به صورت نیمی انسان و نیمی حیوان در سفر و تنهایی حاضر می‌شدند (همان: ۵۱۴).

---

۱. در ماجرای بلوقیا از بنی اسرائیل، به وضوح اشاره گردیده که جنیان مؤمن و کافر با هم در پیکار و این امری الهی می‌باشد (خرگوشی، ۱۳۶۱: ۲۲۴-۲۲۵).

۲. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). «قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا، يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَمْ نُشْرِكْ بِرَبِّنَا أَحَدًا» (جن: ۱-۲). «وَأَنَا مِّنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَ الْقَاسِطِينَ» (جن: ۱۴).

با این حال، جن مانند انسان موجودی انتخابگر و دارای قدرت اختیار است. از این رو یکی از ویژگی‌های جنیان را می‌توان اسلام‌آوری آنان دانست. امام رضا (ع) بیان داشته‌اند که پدر جن «شونان» است که از زبانه صافی از آتش متحرک و مضطرب و بی‌دود آفریده شده است و حق تعالی پیغمبری «یوسف» نام را به سوی جن مبعوث گردانید و ایشان را دعوت به خدا کرد، اما او را در معرض قتل در آوردند (ابن بابویه، بی تا: ۱۸۲/۱). با این حال بنا به روایات، اسلام‌آوری جنیان در زمان رسول مکرم اسلام رخ داد (ابن هشام، بی تا: ۴۲۲/۱؛ ابن حیب، بی تا: ۱۱؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۹/۲؛ واقدی، ۱۳۷۴: ۱۹۷/۱؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴: ۱۵۸/۱؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۵۱۰-۵۱۱). ابن شهاب زهری می‌گوید عبدالله بن مسعود بیان داشته است که شبی با پیامبر (ص) در مکه برای ملاقات با جنیان اعلام آمادگی کردم. پس با حضرت به راه افتادیم تا بالای مکه رسیدیم. حضرت با پای خود برای من خطی کشید و دستور داد که از آن دایره خارج نشوم. سپس پیامبر (ص) از من فاصله گرفته و شروع به قرآن خواندن کرد. موجودات زیاد سیاه‌رنگی حضرت را احاطه کردند، به نحوی که میان من و ایشان حائل و من صدای حضرت را نمی‌شنیدم و پس از مدتی همچون پاره‌های ابر پراکنده شدند اما گروهی از ایشان باقی ماندند (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۱/۲-۲۰؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸/۱۸؛ طبری آملی، ۱۳۸۳: ۲۰۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴۷/۱).  
 راوی می‌افزاید که چون صبح شد تصمیم گرفتم مکانی را که رسول خدا در آن بود مشاهده نمایم. پس از رسیدن به آن مکان اثر توقف شصت شتر قابل رویت بود (همان: ۲۱). بنا به نقل طبری، نام جنیانی که به وحی گوش دادند «حسن»، «مس»، «شاصر»، «ناصر»، «اینا الارد»، «ابنین» و «الاحقم» بوده است (طبری، ۱۳۷۵: ۸۸۹/۳).

در دیگر کتب حدیثی، از جنگ امیرالمومنین علی (ع) با طایفه‌ای از جن و شکست آن‌ها و اسلام‌آوری گروهی از آنان توسط پیامبر (ص) روایاتی نقل گردیده است، چنان‌که با آغاز حرکت پیغمبر (ص) برای جنگ با قبیله بنی‌مصطلق، با آگاهی از کمین جنیان و اندیشه ناصواب آنان به وسیله جبرئیل، پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را به نبرد آنان فرستاد و در پی رشادت‌های علی (ع) و هراس ایجادشده در میان جنیان، گروهی از آنان به نزد پیامبر (ص) آمده و اسلام آوردند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳۳۹-۳۴۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۱۸۰-۱۸۱؛ شیعی سبزواری، ۱۳۷۸: ۱۰۹؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۲۰۴-۲۰۵؛ کلینی، ۱۳۸۲: ۱۶۱/۱-۱۶۲). از این رو، علی (ع) در احتجاج با عالمی یهودی درباره فضل پیامبر (ص) بر سلیمان (ع) فرمود: شیاطین (جنیان) در حالی تحت فرمان سلیمان بودند که هنوز در کفر قرار داشتند، ولی جنیان تحت امر پیامبر (ص) تمامی مؤمن بودند. پس نه نفر از اشراف گروه جنیان، یکی از جن نصیبین بود و هشت نفر ایشان از بنی عمرو بن عامر که از اهل

یقین، و عبارتند بودند از: «شضاها»، «مضاها»، «هملکان»، «مرزبان»، «مازمان»، «نضاها»، «هاضب»، «هضب» و «عمرو». ایشان کسانی هستند که خداوند درباره آنان می‌فرماید: «وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ» (احقاف: ۲۹) و از پی آن هفتاد و یک هزار تن از ایشان با پیامبر بیعت کردند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۱).

با این حال چنین به نظر می‌رسد که حضور جنیان مسلمان در نزد پیامبر (ص) موضوعی مقبول منابع مسلمین بوده و پیوسته نقل شده است و زعمای آنان برای گرفتن جواب سؤالات خود نزد ایشان و ائمه اطهار (ع) حضور می‌یافتند، چنان‌که «زنی بود از جن که او را عفرای می‌گفتند. به خدمت رسول الله (ص) می‌آمد و کلام آن حضرت را استماع کرده می‌رفت و صلحای جنیان بر دست او مسلمان می‌شدند» (اربلی، ۱۳۸۲: ۲۲/۲). همچنین در دوران امام علی (ع) روایتی نقل شده که از آمدن رسول جنیان نزد ایشان و کسب تکلیف نمودن از امام سخن رفته است. منابع آورده‌اند که روزی ایشان در کوفه برای مردم خطبه می‌خواند، ناگاه ماری از درب فیل داخل و ترسی شدید در بین حاضرین به وجود آمد. حضرت فرمود: آن راه دهید زیرا که این مار قاصد گروهی از جن است که آنان را بنی‌عامر می‌نامند. پس آن مار آمد بالای منبر رفت و پرسشی مطرح و حضرت نیز به زبان آن مار جوابش را داد و مار خارج شد. سپس حضرت بیان داشتند میان طوایفی از جن نزاعی واقع شده و آن حیوان آمده بود تا از من سؤال کند که چگونه در بین آنها صلح برقرار نمایم. روایت شده است که آن مار وصی امیرالمؤمنین بر طایفه جنیان بود (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۵۳؛ رازی، بی تا: ۵۰۰/۲؛ علوی، ۱۴۲۸: ۸۷؛ قطب‌الدین‌راوندی، ۱۳۷۸: ۵۷۶-۵۷۷؛ کلینی، ۱۳۷۵: ۱۱۱/۳).

علاوه بر این، راوی می‌گوید روزی بر در خانه امام صادق (ع) بودیم و قومی بر ما بیرون آمدند به مانند اهالی رُطّ (اهل سودان و هنود) که گنگ‌مانند داشتند. از امام صادق (ع) درباره آنها پرسش کردیم، فرمودند: آنان برادران شیعه‌مذهب شما از جنیان می‌باشند (کلینی، ۱۳۷۵: ۱۰۵/۳؛ عاملی نباطی، ۱۳۸۴: ۱۸۳/۲). همچنین بنا به روایات رسیده گروهی از جنیان وظیفه خدمت‌رسانی به شیعیان را برعهده دارند و نیز آمده است که ائمه اطهار (ع) با جنیان ارتباط داشته، چنان‌که گاه از جنیان شیعه برای انجام امور خود بهره می‌برده‌اند (قطب‌الدین‌راوندی، ۱۳۷۸: ۲۲۷؛ ابن‌شاذان قمی، ۱۳۶۳: ۷۰؛ ابن‌بطریق، ۱۴۰۷: ۴۴۷؛ ابن‌طاووس، ۱۴۰۹: ۱۲۳-۱۲۴؛ طبری، ۱۳۷۹: ۵۰۵/۲).

### جنیان و واقعه کربلا

از جمله موضوعاتی که در کتاب‌های روایی و تاریخی درباره واقعه کربلا ثبت گردیده، حضور گروهی از جنیان برای استمداد به سیدالشهدا (ع) می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: از پدرم

شنیدم که می فرمود چون حسین بن علی با عمر بن سعد تلافی نمودند و جنگ برپا شد، خداوند نصرت خود را فرو فرستاد تا آنجا که بر سر حسین سایه گسترد و آنگاه امام مخیر شد بین پیروزی بر دشمنانش و بین ملاقات و لقای پروردگارش؛ او لقای پروردگارش را برگزید (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۰۱). حال می توان بیان داشت که این نصرت خداوند جنیان و ملائکه ای بودند که به کمک امام شتافتند. چنان که درباره حضور ملائکه به صورت مستقیم آمده است، هنگامی که ایشان از مدینه به سوی مکه راهی شدند، گروهی از فرشتگان درحالی که در دستانشان ابزار جنگ بود به ملاقات حضرت آمدند و بیان داشتند: خداوند متعال جدت رسول خدا را پشتیبان ما قرار داد و خداوند تو را نیز بر ما پشتیبان قرار دهد. امام به آن ها گفت محل شهادت و قبر من کربلا نام دارد، پس هنگامی که بر آن محل وارد گردیدم به نزد من حضور یابید (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ش: ۶۶؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق: ۲/۲۳۱).

همچنین نقل گردیده که در روز پیش از حادثه عاشورا، گروهی از جنیان خدمت سیدالشهدا (ع) آمده و عرض کردند: ما از شیعیان و یاران شما می باشیم. پس اگر ما را به قتل دشمنان امر فرمایید در یک لحظه آن را عملی خواهیم کرد. اما امام حسین (ع) برای آن ها جزای خیر خواست و فرمودند: آیا کتابی که بر جدم رسول خدا نازل شده است را نخواندید که «هر جا باشید شما را مرگ درمی یابد هر چند در قلعه هایی آراسته باشید» (نساء: ۷۸). پس اگر زنده بمانم این گروه از مردم به چه وسیله امتحان شوند؟ ولی شما روز شنبه که روز عاشورا است نزد من بیاید و بدانید که در آخر آن روز کشته خواهم شد و سر مرا برای یزید می برند. جنیان گفتند: ای حبیب و پسر حبیب خدا، به خدا قسم اگر اطاعت از شما در این امر بر ما واجب نبود، تمامی دشمنان را قبل از اینکه به شما دست یابند نابود می کردیم. سپس امام حسین (ع) فرمودند: خداوند بر این کار از شما توانا تر است؛ ولی باید کشته شدن و زنده ماندن از طریق دلیل و بینه باشد. اکنون جدم رسول خدا را دیدم که به سینه اش اشاره و بین دو چشمانم را بوسید و به من گفت: ای حسین، خداوند عزوجل می خواهد تو را کشته شده ببیند، درحالی که در خون خود آغشته و محاسنت با خونت رنگین شده باشد، از قفا ذبح شده باشی و خداوند می خواهد ناموست را اسیر بر اشتران ببیند و من و خدا صبر خواهیم کرد تا اینکه خداوند بر امرش حکم کند و او بهترین حاکمان است (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۰/۴۴؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲۰۷؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۷/۱۸۰؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۶۰/۴؛ ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۲۶؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۶-۲۰۹).

پس از عدم پذیرش یاری جنیان از سوی امام حسین (ع) و وقوع حادثه کربلا، ذکر شده است جنی که از صحنه کربلا دیدن کرده بود بیان داشت: به خدا قسم شاهد آن بودم که در زمین طف



سری بریده و دو گونه‌اش به خاک آلوده و اطرافش جوانانی افتاده که از گلویش خون جاری بود. پیوسته ناقه خود را دواندم تا قبل از آنکه ایشان با حوریه‌های باکره ملاقات کنند مصادف گردم. حسین چراغی فروزان بود و خدا می‌داند که من در این گفتار دروغ نمی‌گویم (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۹۳-۹۴). نیز در روایتی مشابه راوی می‌گوید: به او گفتیم: تو که هستی؟ گفت: من و پدرم از جن‌های نصیبین هستیم، خواستیم که با جان خود حسین (ع) را یاری دهیم و چون از سفر حج بازگشتیم، دیدیم حضرت به شهادت رسیده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳۲۰).

همچنین آمده است زمانی که امام حسین (ع) شهید شدند گنج کارها در وقت سحر نوحه‌سرای‌های طائفه جن را در قبرستان می‌شنیدند، که چنین می‌گفتند: «رسول خدا پیشانی او را دست کشید پس در رخس نوری ساطع است. پدر و مادرش از برترین افراد قریش بوده و جدش بهترین جداها است» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۹۴). علاوه بر این، دسته‌ای از روایات گواه بر حضور جنیان حتی پس از روز عاشورا می‌باشد. پس از دستور ابن زیاد مبنی بر فرستادن اسیران و سرهای شهدا به شام، جمعی که با آنان بودند بیان داشته‌اند که شب‌ها نوحه جنیان را تا صبح بر حسین می‌شنیدند (فتال‌نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱/۱۷۰؛ ابن طاووس، ۱۴۱۵: ۷۴). نیز آمده است که گروهی از مردم صدای سوگواری جنیان بر آن حضرت را می‌شنیدند به نحوی که زنان جنیان از غم و اندوه گریه و برای بانوان هاشمی نوحه‌سرای‌ی و ناله سر می‌دادند و بر چهره خود لطمه وارد می‌کردند (ابن جوزی، ۱۳۷۹: ۳۵۹؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ۱۰۹).

با این حال در چند قرن اخیر، تصویری در ذهن عوام بر اساس کتاب روضه‌الشهدا پدید آمده که گروهی از جنیان به سرپرستی «زعفر جنی» در کربلا حاضر شدند تا به یاری امام حسین (ع) پردازند، اما حضرت درخواست ایشان را رد کردند (واعظ کاشفی، ۱۳۸۰: ۳۴۶). اما حضور زعفر از سوی بسیاری از علما بی‌استناد دانسته شده است (نوری، ۱۳۸۸: ۲۵۲). در روایات کتب معتبر و قرون نخستین نیز نامی از رئیس جنیان به میان نیامده و صرفاً به گروهی از آنان اشاره شده است. همچنین علامه مجلسی که به طور معمول درباره روایات خاص به بیان توضیحاتی می‌پردازد، در پایان حدیث حضور جنیان، به هیچ عنوان به زعفر اشاره نکرده است. بر این اساس اگر سندی متقن درباره زعفر وجود داشت، به احتمال فراوان علامه از ذکر و توضیح آن خودداری نمی‌کرد. از این رو می‌توان روایات مربوط به زعفر را تا حد زیادی دارای ضعف سندی دانست.<sup>۱</sup> با این حال به احتمال فراوان، ریشه این موضوع به نقل ملاحسین واعظ کاشفی که فارغ از استناد روایی و تاریخی می‌باشد، مرتبط است. واعظی نقل می‌کند: «... [زعفر گفت: ای سید! ما خود را به صورت آدمیان

۱. برای اطلاع بیشتر درباره خرافات واقعه کربلا ر.ک: (مطهری، ۱۳۵۸: ۷۸/۱۷، ۹۴، ۱۱۰، ۵۹۸).

بدیشان نماییم و حرب کنیم. اگر از قوم ما هم بکشند، شهید راه تو باشیم. حضرت امام حسین (ع) فرمود: جزاک الله خیراً یا زعفر. دلم از زندگانی دنیا سیر شده‌است و در علم المنايا دیده‌ام که من امروز به لقای پروردگار خود خواهم رسید. تو برای خاطر من بازگرد و متعرض این قوم مشو. زعفر بازگشت و فی الحال غبار فرو نشست» (واعظ کاشفی، ۱۳۸۰: ۳۴۶).

### چاپ سنگی در عصر قاجار

مصورسازی واقعه کربلا در عصر قاجار به مانند ادوار گذشته رواج داشت، اما با ورود نخستین دستگاه‌های چاپ به ایران، تا حد زیادی دچار تحول گردید. اواخر قرن نوزدهم میلادی، ایران جزء آخرین ممالک اسلامی بود که چاپ به شکل فراگیر برای نشر در آن به کار گرفته شد و از میان دولتمردان قاجار، عباس میرزا نایب‌السلطنه (۱۲۰۳-۱۲۴۹ق) سهم بسزایی در نشر تمدن و فرهنگ جدید برعهده داشت. از جمله مسائل مورد توجه او، نشر، تألیف و ترجمه کتب بود. از این رو، میرزا زین‌العابدین تبریزی را مأمور فراگیری فن چاپ و تأسیس نخستین چاپخانه در تبریز کرد. اولین چاپخانه که آن را «باسمه‌خانه»، «بصمه‌خانه» و بعدها «مطبعه» نامیدند، بعد از عقد قرارداد گلستان (۱۲۲۸ق) از کشور روسیه وارد ایران شد و نخستین کتابی که در آن به چاپ رسید، «رساله جهادیه» بود. به دنبال رشد نسبتاً گسترده صنعت چاپ در ایران، عباس میرزا در سال ۱۲۴۵ق میرزا جعفر تبریزی را به مسکو اعزام کرد تا صنعت چاپ را به صورت علمی و عملی آموخته و همچنین یک دستگاه چاپ سنگی را خریداری و با خود به ایران آورد (بابازاده، ۱۳۷۸: ۱۳؛ Emami, 2017: 55; Azizi, 2010: 354).

پس از آن، کتاب‌های چاپ سنگی مصور با رواج گسترده و استقبال چشمگیری از سوی مردم روبه‌رو شد و در این میان تصاویر چاپی با مضامین شاهنامه، خمسه نظامی، قصه‌های عاشقانه و حکایات عامیانه به‌ویژه در زمینه کتاب‌هایی با موضوعات دینی و برگرفته از مذهب تشیع، شاهکارهایی را پدید آورد که در نسخه‌های متعدد انتشار یافت، درحالی‌که نقاشی‌های آن تا حدودی پیرو سبک‌های پیشین و نیز با تقلید نسبی از سبک‌های غربی و عوام‌گرایانه همراه بود. در کوتاه زمانی این امر مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و در پی آن خاورنامه، روضه‌الشهدا، جامع‌المعجزات و معراج‌نامه‌ها با مضامین شیعی و اسلامی همراه با تصاویر چاپ سنگی با روش منسجم و هماهنگ و غالباً با تکنیک سیاه و سفید به چاپ رسید که در این بین واقعه کتاب‌های دربردارنده موضوع کربلا از جمله طوفان‌البكاء جایگاه ویژه‌ای یافت (شین‌دشتگل، ۱۳۸۹: ۲۱۹؛ Green, 2010: 326-325). از این زمان به بعد، کتاب‌هایی با چاپ سنگی و مصور سیاه و سفید در

ایران منتشر شد که تمامی ویژگی‌های تصویر و شعر و دیگر شاخصه‌های نگارگری را در خود داشت، چنان‌که می‌توان عنوان کرد در تصویرسازی چاپ سنگی تا حد زیادی از سنت کتاب‌آرایی پیشین استفاده گردید و جدول‌کشی، تصویرگری، کتابت و سایر عناصر منشأ در آن داشت (آژند، ۱۳۸۹: ۸۰/۲).

در عصر ناصری تصویرسازان وقایع کربلا در زیرشاخه خالقین آثار عامیانه قرار داشتند و از آن‌جایی که معمولاً هنرمندان عامیانه کمتر شناخته شده بودند، بندرت در تذکره‌های درباره زندگی و آثار آنان ذکری به میان آمده‌است. اما در این میان تصویرگران کتاب‌های چاپ سنگی خوش‌اقبال‌تر از سایرین بودند، چرا که بسیاری از آثارشان در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی محفوظ مانده و از طریق مشخصات کتابشناسی می‌توان به برخی از ویژگی‌های زندگی و کار آنان دسترسی پیدا کرد. از جمله مصوران تصاویر کربلا می‌توان به میرزا علی‌قلی خوئی، علی‌خان، میرزا حسن، میرزا جعفر اصفهانی، میرزا نصرالله و محسن تاجبخش اشاره داشت (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۶۳؛ Marzolph, 1999: 335-336؛ نیز ر.ک: مارزلف، ۱۳۹۰: ۶۵-۵۰). با این حال آنچه با بررسی نسخه‌های طوفان‌البکاء در عصر ناصری می‌توان دریافت این است که اکثر تصویرپردازی‌های صحنه حضور جنیان به وسیله علی‌قلی خوئی، میرزا نصرالله و علی‌خان مصور شده‌است.

میرزا علی‌قلی خوئی به احتمال فراوان نخستین تصویرگر کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار و به‌ویژه واقعه کربلا بود. علاوه بر این، او در بین سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۶۳ق، جزء پرکارترین تصویرگران این دوره محسوب می‌گردید، به‌نحوی که خوئی را می‌توان بنیان‌گذار سبک تصویرگری چاپ سنگی در ایران دانست؛ چرا که آثار او بارها توسط هنرمندان معاصر و پس از او گرده برداری و غالب تصویرگران مستقیماً از محضر خوئی و یا غیرمستقیم از سبک او تأثیر پذیرفته‌اند (بوذری، ۱۳۹۰: ۳۱؛ مارزلف، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۱) بر این اساس، به‌گواهی رقم‌های ثبت‌شده در کتب چاپ سنگی عصر ناصری، میرزا نصرالله که دوره فعالیت او ۱۳۱۶-۱۲۸۰ق و علی‌خان که در حدود ۱۳۳۲-۱۲۹۸ق فعال بوده‌است، به احتمال فراوان در زمره شاگردان مستقیم و یا بهره‌گیرنده از سبک خوئی محسوب می‌شوند. با توجه به نبود اطلاعات دقیق در منابع از شرح حال این سه نقاش و باورهای اعتقادی آنان، چنین به‌نظر می‌رسد که این هنرمندان با بهره‌گیری از مصورسازی کتب مبتنی بر روایات و باورهای رایج عصر ناصری، در پی آن بوده‌اند تا محبوبیت بیشتری برای مفاهیم شیعی پدید آورند و متعاقباً به نمایش مضامین نهفته در بطن تشیع و به‌ویژه واقعه کربلا، که دارای مفهومی بنیادی از تشیع بود، اقدام نمایند چرا که تکثیر کتاب‌های دارای درون‌مایه مذهبی، که به‌وسیله این هنرمندان مصور گردیده، گواهی بر این امر است. متعاقباً با رواج

این گونه هنری، جریانی ایجاد شد تا مصورسازی مضامین شیعی در کتب چاپ سنگی از جمله طوفان البکاء مورد تمرکز قرار گیرد، به نحوی که گاه تفسیر دقیق آن‌ها مستلزم دانش تخصصی و هوشمندانه از سیر حوادث بود.

### بررسی ویژگی‌های جنیان در تصاویر

هنر تصویرگری در دوره قاجار از نظر ماهوی، ترکیبی از چند نگرش فکری بود، بدین معنا که از ترکیب چند شیوه اروپایی متعلق به دوره رنسانس با شیوه منسوخ شده تفکر ایرانی، نوعی زیبایی‌شناسی تلفیقی را پدید آورد. از این رو می‌توان تصویرگری در این عصر را با نقاشی‌گذار از محتوا به فرم در تاریخ هنر غرب مقایسه کرد. این معنا و زیبایی‌شناسی تلفیقی در نقاشی غربی نیز، به‌ویژه در شمایل‌نگاری مرحله تمامیت نقاشی دوره زمینداری (فتودالیسم) اروپا آشکار بود. از دیدگاه خالقان این آثار، چنین طرز بیانی، نشان از ابتکار عمل آن‌ها داشت، که در عین حال مطلوب نظر حامیانشان بود و در این میان بهره‌گیری از عناصر غربی و باورهای عامیانه نقش ویژه‌ای داشت. به نحوی که هر آنچه تحت عنوان آرایش، مد، لباس، اقتصاد و زندگی مردم دوره قاجار مطرح بود، در تصویرسازی‌های این دوره به‌صورت کاملاً بارز بازتاب یافت (لعل شاطری، ۱۳۹۷: ۲۵۲؛ جلالی جعفری، ۱۳۸۲: ۲۶؛ ۹۲-۹۴: ۲۰۱۳: Diba). با این حال تصویرگری شخصیت‌های مقدس، بی‌حرکتی بخش‌ها، حالت‌های قراردادی و نیز همواری نوشته‌ها، فراوانی تزیین‌ها و دقت آن‌ها نشان‌دهنده آن بود که سبک قاجاری با وجود همه برداشت‌ها از غرب، از سنت هنر روایی سده‌های میانی ایران نگسسته بود (شچگلوا، ۱۳۸۸: ۲۴۸). بر این اساس ویژگی‌های هنر نقاشی این دوره را می‌توان منحصر و متمایز دانست که در این بین مصورسازی کتب چاپ سنگی از سبک خاص برخوردار بود، چنان‌که در این بین موجودات فرابشری با رویکردی مبتنی بر روایات و آیات و تلفیق یافته با باورهای رایج و ویژگی‌های بصری حاکم بر جامعه خلق گردید.

سیر تاریخی ترسیم جنیان در هنر نقاشی، همواره با توصیف خاصی از جسم مادی آنان همراه بوده است. ابن خلدون بر این باور است که «صورت‌ها و مجسمه‌های مخصوص به جن و شیاطین را هنوز کسی نشناخته است؛ بلکه جنیان قادر بر متشکل شدن به اشکال مختلف هستند و آنچه درباره سرهای متعدد آن‌ها یاد می‌کنند، مقصود زشت جلوه دادن و هولناک ساختن آن‌ها است نه اینکه واقعیت داشته باشد» (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۶۶/۱). به نظر برخی محققان غربی جنیان به سبب طبیعت شعله‌وش خود از انظار آدمیان پنهان، اما می‌توانند با غلظت دادن به وجود خویش به هر صورت که بخواهند مرئی شوند (Khalifa, 2005: 351؛ El-Zein, Al-Ashqar, 2003: 56).

2: 2009). گروهی دیگر در تحقیقات خود بیان داشته‌اند که اگر جن به صورت انسان ظاهر شود معمولاً دارای جثه‌ای عظیم است. اگر مؤمن باشد معمولاً به غایت زیبا و اگر زیانکار و کافر باشد، بسیار زشت است (بورخس، ۱۳۸۹: ۸۸) و در فرهنگ لاروس اشاره به بازخواست آنان در روز قیامت شده‌است (جونز، ۱۳۸۸: ۱۰۸). همچنین عکاشه دربارهٔ سیر تاریخی مصورسازی جنیان آورده‌است که غالباً تصاویر جن در نگارگری اسلامی با چهره‌های ترسناک مصور گردیده‌است. نگارگران برخی از این موجودات را به شکل بوزینگان و برخی را شاخدار و برخی را با دم افراشته و یا فرو افتاده ترسیم کرده‌اند. گروهی از جنیان نیز با سرهایی همانند اسب‌های دریایی و بعضی دهانشان را گشوده و دندان‌های درشت آنان آشکار است. نقاش بر تن برخی از اشکال که شباهت با آدمی دارند دامن‌های سرخ یا سبز پوشانده و دست و پاهای آنان را با زیور آراسته و اشکال جانورنما را برهنه و اگذارده‌است (عکاشه، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

در عصر ناصری خلق تصاویر جنیان در کتب چاپ سنگی با ویژگی‌های خاصی همراه بود، چراکه نیاز به تصاویری برای نسخه‌های طوفان‌البکاء مستلزم آن بود که نقاش تصویر خود را فارغ از رنگ‌بندی موجود در سایر سبک‌های این دوره و صرفاً با ترسیم خطوط اصلی، هاشورها و سایه‌روشن‌هایی جهت فضا سازی خلق کند و توانمندی خود را در این زمینه نشان دهد. از این رو تصاویر دارای ترکیبی ساده و با قرارگیری منسجم و معنادار شخصیت‌های اصلی نشان‌دهندهٔ مضمون مورد نظر بود. در اکثر تصویرسازی‌های این دوره که به موضوع حضور جنیان در کربلا پرداخته‌اند -با توجه به مرکزیت امام حسین (ع) سوار بر ذوالجناح - نخستین نکته نشان‌دادن ویژگی‌های ظاهری حضرت و سپس گروه جنیان به‌عنوان دومین رکن در حاشیه سمت چپ نقاشی می‌باشد. در هیچ یک از تصاویر چهرهٔ سیدالشهدا (ع) نمایان نیست و تنها با پارچه‌ای پوشیده شده‌است. به احتمال فراوان این رویکرد از طرفی به دلیل احترام به مقام حضرت و از طرف دیگر به علت نهی مذهبی ترسیم شمایل مقدسین در نزد باورهای مردم این عصر بوده‌است. حضرت معمولاً با هاله‌های نورانی<sup>۱</sup> گردد سر و با حالتی دایره‌ای که الهام گرفته از انعکاس نور خورشید است ترسیم شده‌اند، چنان‌که گاه این حالت نوعی تقارن را با خورشید مصور شده در بالای تصویر ایجاد می‌کند (تصویر ۳، ۶).

حضرت در تمامی تصاویر به صورت خسته و ناامید سوار بر اسب بر نیزه تکیه زده و با جنیان سخن می‌گوید و یا به درخواست آنان گوش فرامی‌دهد. از نظر پوشش نیز، گاه با ابزار جنگ (سپر و شمشیر) (تصویر ۱، ۲، ۳، ۶) و گاه با پوششی ساده ترسیم گردیده (تصویر ۴) که این امر تا

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره رجوع کنید به: (لعل شاطری، ۱۳۹۴: ۴۸۶).

۱۶۰ / بررسی تطبیقی تصاویر جنیان حاضر در کتب چاپ سنگی عصر ... / مصطفی لعل شاطری و همکاران

حدودی بیانگر زمان دیدار می‌باشد، که گویا در بجزوه پیکار با لشکر دشمن بوده‌است. حتی در تصویری، امام حسین (ع) علی‌اصغر (ع) را در آغوش و شهدای بی‌سر در گوشه‌ای نشان داده می‌شوند (تصویر ۶). بر این اساس منطبق با روایات، گویا دیدار جنیان در ابتدای ورود امام حسین (ع) به کربلا نبوده، بلکه پس از آغاز نبرد و در لحظات پایانی جنگ و ساعاتی قبل از شهادت حضرت می‌باشد که از سوی تصویرگران لحاظ شده‌است.

عنصر دیگر در این تصاویر ملائکه می‌باشند. بنا به روایات، گویا حضور جنیان و فرشتگان با یکدیگر مقارن و در یک زمان بوده و بر این اساس تصویرگر نیز این امر را در نظر داشته‌است. اما همچنان عنصر غالب را با جنیان دانسته و تعداد آنان را چندین برابر ترسیم کرده‌است. ملائک و فرشتگان به صورت غالب با بالاپوش‌های آستین بلند و دامن‌های پرنفش و نگار مصور و تاجی قاجاری بر سر دارند. این گونه تن‌پوش که مشابه پوشش‌های عصر قاجار است، به شکل قراردادی در تمامی تصاویر لحاظ شده‌است. علاوه بر این، چهره آنان به صورت زنان قاجاری ترسیم گردیده، به نحوی که ابروهای کمانی، موهای مجعد و چشمانی درشت وجه بارز آن می‌باشد (تصویر ۳، ۶).

با وجود این، جنیان در این تصاویر کانون توجه مخاطبین قرار دارند و هنرمند با ریزینی خاص، میزان حجم اختصاص یافته به آنان و امام حسین (ع) را یکسان تقسیم و ترسیم کرده‌است. با توجه به اینکه روایات تنها به حضور گروهی از جنیان اشاره داشته‌اند، آنچه مشهود است این که مصوران این عصر از باورهای عامیانه به دور نبوده و نقلی را که به زعفر مربوط می‌باشد در تصاویر وارد کرده‌اند. در این تصاویر به طور معمول زعفر گامی جلوتر نهاده و به گفتگو با سیدالشهدا (ع) می‌پردازد و حتی ظاهر او نیز متفاوت ترسیم گردیده، چنان‌که بالاپوش و تاج قاجاری را می‌توان نماد بارز آن دانست (تصویر ۱، ۲). حتی گاه نقاشان با نوشتن متنی در بالای تصویر به حضور زعفر تأکید داشته‌اند (تصویر ۳). با وجود این در دسته‌ای دیگر از تصاویر، نقاش تنها به ترسیم گروهی از جنیان پرداخته و میان هیچ یک از آنان وجه تمایزی بارزی قرار نداده‌است (تصویر ۴، ۶).

گروه جنیان از نظر ظاهر جسمانی، بنا به نقل روایات مذکور، در تمامی تصاویر با پاهایی به شکل پای بز (سُم‌دار) ترسیم گردیده و دارای دو نیم‌تنه متفاوت (انسانی - حیوانی) می‌باشند. به عبارتی دیگر جنیان به صورت انسان ظاهر و به هیبت افرادی لاغراندام با کمرباریک و بازوانی عضلانی، که نشان‌گر افرادی آماده رزم می‌باشد، تصویر شده‌اند و در این بین گویا نقاشان بنا بر تعمدی خاص قسمت‌های جانورنمای بدن جنیان را برهنه ترسیم کرده‌است تا یادآور روایت متواتر از دیدار جنیان با ائمه اطهار (ع) باشد که تنها داری پوششی لنگ‌مانند بوده‌اند. همچنین از

نظر ویژگی‌های چهره، گروه جنیان با چشمانی درشت، گرد و اشک‌آلود و گاه با مو و ابروهایی بلند (تصویر ۱، ۲، ۳) و گاه با موهایی پنهان در زیر کلاه و فاقد ابرو (تصویر ۴، ۶) مصور شده‌اند که می‌توان این امر را منطبق بر نقل روایات مبنی بر ظهور جنیان به صورت‌ها و چهره‌های گوناگون دانست.

جنیان حاضر تماماً فارغ از مرکب بوده که این امر احتمالاً به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد آنان می‌باشد و تنها در یک تصویر، آنان سوار بر شتر ترسیم گردیده‌اند (تصویر ۵) که این امر به احتمال فراوان متکی بر روایاتی می‌باشد که مرکب جنیان را شتر بیان داشته‌اند. علاوه بر این، از نظر پوشش می‌توان آن را شامل پوشش و ابزار رزم دانست که تنها دارای شمشیرهایی می‌باشند که گاه دارای قوس (تصویر ۳، ۴، ۶) و گاه عمودی (تصویر ۱، ۲) ترسیم گردیده که این موضوع به احتمال فراوان نشأت گرفته از طبع هنری و باورهای زیباشناسی تصویرگران و نیز مشابهت قایل شدن میان فرشتگان و جنیان می‌باشد، چرا که در روایات آمده فقط فرشتگان ابزار جنگ داشته‌اند. با این حال نحوه قرارگیری شمشیرهای آنان، که گاه به حالت آمادگی اولیه بر روی شانه قرار گرفته (تصویر ۱) و گاه به نشان آمادگی برای رزم در مقابل سینه و (تصویر ۲، ۳) و گاه به نحوی بی‌رمق بر روی شانه است (تصویر ۴، ۵، ۶) چنین به نظر می‌رسد که نشان‌دهنده شرایط زمانی مختلف در دیدار با سیدالشهدا (ع) می‌باشد.

علاوه بر این پوشش‌های بسیار ساده نظامی جنیان می‌تواند گواهی باشد بر برداشت‌های اعتقادی مصوران، چرا که آنان را دارای قدرتی مافوق بشری تصور کرده و ابزار جنگی گسترده را لازمه آنان نمی‌دانستند. در این میان از نظر پوشش وجه بارز آنان پوشش سر می‌باشد که گاه با کلاه‌های بوقی شکل (تصویر ۱، ۲، ۳، ۴) و گاه با کلاهی مختص به رزم (تصویر ۵، ۶) مصور شده‌اند، که این امر تا حد زیادی نشأت گرفته از باورهای عمومی بوده‌است، چرا که نوع کلاه بوقی چندان عمومی در جنگ‌ها نداشته و به کارگیری از آن برای جنیان به احتمال فراوان نوعی ابداع هنری از سوی نقاش جهت تمایز آنان می‌باشد.

با توجه به لحاظ حالت روحی مدنظر از سوی نقاشان برای گروه جنیان، گویا آنان در زمان‌های گوناگون دیدار با امام حسین (ع) مصور شده‌اند. چنان که گاه با شور و شغف و دستانی آماده برای همکاری (تصویر ۱، ۳) که بیانگر نخستین لحظات حضور در برابر امام حسین (ع) و فیض جنگ در رکاب ایشان و بیان مطالب جنیان می‌باشد و گاه با تضرع و بیان درخواست همراهی برای مبارزه با سپاه ابن سعد (تصویر ۲) و گاه با حس ناامیدی و عدم پذیرش درخواست از سوی سیدالشهدا (ع) (تصویر ۴، ۶) و گاه با حالتی تعجب‌گونه (تصویر ۵) که گویا پس از

شنیدن سخنان حضرت و بیان نحوه شهادت می‌باشد، ترسیم گردیده‌اند، چنانکه نوع حرکت لب، گونه، چشم و دست در تمامی تصاویر تأییدکننده این موضوع می‌باشد.

با این حال چهره‌های جنیان غالباً به شکل سه رخ طراحی گردیده، چرا که به احتمال فراوان این حالت بهترین شیوه برای نمایش حداکثر اجزای صورت و حالات روحی آنان بوده و همچنین می‌توان آن را به عدم توانایی مصور، در طراحی به شیوه‌های مبتنی بر ویژگی‌های هنری غربی و از جمله بهره‌گیری از پرسپکتیو در اجزای نقاشی دانست. چهره جنیان تا حد بسیاری از سویی آرمانی و از سوی دیگر قراردادی بوده و اکثراً دارای بن‌مایه‌ای تکرارشونده و به‌شکل واحدی - به‌ویژه در ترکیب‌بندی اندام حیوانی - ترسیم شده‌اند که شاید بتوان آن را تقلیدشده از نخستین تصاویر خلق‌شده به وسیله علی‌قلی خویی دانست. این تصاویر هرچند گاه دچار عدم هم‌خوانی جزئی با روایات می‌باشند، اما دارای ویژگی و ویژه از بُعد بصری و متعاقباً انتقال مفاهیم مورد نظر نقاش به اقشار گوناگون جامعه عصر ناصری بوده‌است. با این حال عنصر غالب در تمامی تصاویر، روایات منقول از ویژگی‌های ظاهری جن و نیز حضور آنان در نزد سیدالشهدا (ع) می‌باشد و چنین می‌توان دریافت که هرگاه نقاش در موضوعی جزئی دچار ضعف روایی بوده‌است، با تکیه بر هنجارهای هنری و باورهای عامه‌پسند و ذوق هنری به مصورسازی آن پرداخته‌است.

### نتیجه‌گیری

یکی از صحنه‌های حضور جنیان پس از اسلام آوری آنان درخواست یاری به امام حسین (ع) در واقعه کربلا بود. بر این اساس یکی از موضوعات مورد توجه مصوران کتاب چاپ سنگی طوفان البکاء در عصر ناصری ترسیم این دیدار، مطابق باورهای اسلامی بوده‌است. هرچند تصویرپردازان سعی داشته‌اند تصاویر واقعه کربلا و به‌ویژه حضور جنیان با روایات به‌عنوان بن‌مایه اثر منطبق باشد، عدم مطابقت‌هایی جزئی در تصاویر با روایات را می‌توان مبتنی بر فهم هرمنوتیک مصوران دانست. بر این اساس دریافت و خوانش تصویرگران از متون روایی - تاریخی را می‌توان تا حدودی متأثر از پیش‌فهم و نگرش شخصی و جمعی حاکم، خط سیر تاریخی حوادث، علایق، انتظارات و خواسته‌های جمعی دانست، چراکه خلق هر اثر هنری جدا از تفاسیر و برداشت‌هایی این‌گونه نمی‌باشد، به‌ویژه آثار تصویری که با تکیه مستقیمی بر متون مذهبی خلق و در این راستا هر اثری را می‌توان به میزانی دارای نوسانی متأثر از تفسیر و خوانش انتخابی و گاه تحمیلی بر او دانست. در این عصر علاوه بر برداشت‌های شخصی تصویرپردازان، عواملی همچون باورهای عامیانه در یکسان‌پنداری موجودات فراابشری همچون فرشتگان و جن از نظر چهره‌نگاری، گزارش‌های



ساخته شده در قرن نهم و دهم قمری به بعد در زمینه عاشورا و اوضاع فرهنگی و اجتماعی عصر قاجار مؤثر بود، که بی‌شک مهم‌ترین دلایل ناهم‌خوانی برخی تصاویر جنیان، همچون ماجرای زعفر را با آنچه در روایات ذکر شده است، می‌توان در موارد فوق مورد بررسی و تحلیل قرار داد. با این حال می‌باید دانست مصورانی که به خلق این تصاویر پرداخته‌اند، اهداف گوناگونی داشتند که در نتیجه زبان تصویری آنان به‌عنوان عاملی مؤثر، مبتنی بر فهمی همگانی در برقراری ارتباط حوزه‌های مذهبی، هنری و تاریخی در عصر ناصری، محسوب می‌گردید. بر این اساس، متن که تصاویر می‌باشد با پیشامتن که مرجع روایی است، دارای تطابق نسبی بوده و خوانش‌های ناهمسان بسیار جزئی را، که گاه به دلیل عدم ارائه مطالب در منابع بوده است، نیز می‌توان علاوه بر موارد فوق‌الذکر تا حدودی در راستای نمادگرایی‌های مورد نظر نقاش و نیز هنجارهای هنری حاکم بر عصر او دانست.



تصویر ۱: جوهری، (۱۲۷۲) (ق) (ب).

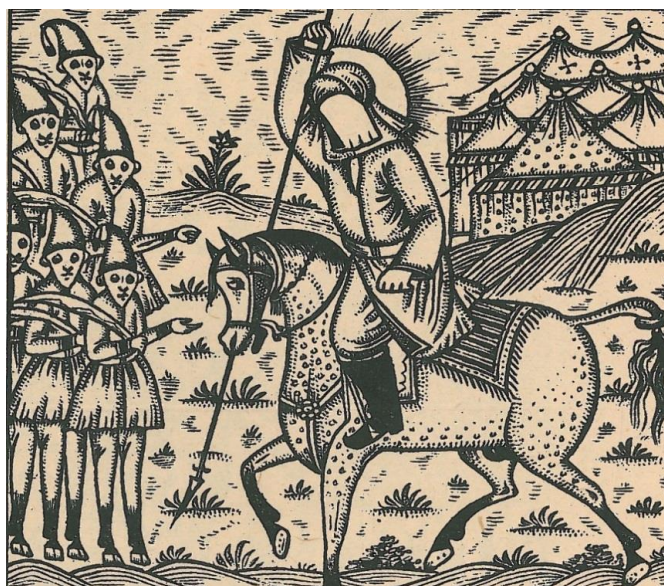


تصویر ۲: جوهری، (۱۲۷۲) (الف).





تصویر ۳: جوهری، (۱۲۷۰ق)



تصویر ۴: جوهری، (۱۳۰۴ق).



تصویر ۵: جوهری، (۱۲۹۲ق)



تصویر ۶: جوهری، (۱۳۰۳ق).



## منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آژند، یعقوب، (۱۳۸۹ش)، **نگارگری ایران**، تهران: سمت.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید، (۱۴۰۴ق)، **شرح نهج البلاغة**، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتب آیت‌الله مرعشی.
- ابن‌اثیر، عزالدین علی، (۱۳۷۱ش)، **التکامل**، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: علمی.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، (بی‌تا)، **عیون أخبار الرضا (ع)**، ترجمه محمد تقی آقا نجفی اصفهانی، تهران: اسلامیة.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۰ش)، **علل الشرائع**، ترجمه محمد جواد ذهنی‌تهرانی، قم: مومنین.
- ابن‌بابویه، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، **الأمالی**، تحقیق حسین استاد ولی، قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن‌بطریق، یحیی بن حسن، (۱۴۰۷ق)، **عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأئبرار**، قم: اسلامی.
- ابن‌جوزی، أبو‌الفرج، (۱۴۱۲ق)، **المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک**، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب.
- ابن‌جوزی، أبو‌الفرج، (۱۳۷۹ش)، **شرح حال و فضائل خاندان نبوت**، ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد: آستان قدس.
- ابن‌حبیب، ابو جعفر محمد، (بی‌تا)، **المحبر**، تحقیق ایلزة لیختن شنتیر، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- ابن‌حمزه طوسی، محمد بن علی، (۱۴۱۹ق)، **الثاقب فی المناقب**، تحقیق نبیل رضا علوان، قم: انصاریان.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۷۵ش)، **مقدمه ابن‌خلدون**، ج ۱، ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن‌سید‌الناس، أبو‌الفتح محمد (۱۴۱۴ق)، **عیون الأثر فی فنون المغازی و السمائل و السیر**، بیروت: دار القلم.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۶۶ش)، **حی بن یقظان**، ترجمه و شرح منسوب به جوزجانی، تهران: نشر دانشگاهی.
- ابن‌شاذان قمی، أبو‌الفضل شاذان بن جبرئیل، (۱۳۶۳ش)، **الفضائل**، قم: رضی.
- ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ش)، **مناقب آل‌أبی‌طالب (ع)**، قم: علامه.
- ابن‌طاووس، علی بن موسی، (بی‌تا)، **سعد السعود للنفوس منضود**، قم: دار الذخائر.
- ابن‌طاووس، علی بن موسی، (۱۴۱۵ق)، **الدروع الواقیة**، بیروت: آل‌البيت.
- ابن‌طاووس، علی بن موسی، (۱۴۱۱ق)، **مهج الدعوات و منهج العبادات**، تحقیق ابوطالب کرمانی، قم: دار الذخائر.

۱۶۸ / بررسی تطبیقی تصاویر جنیان حاضر در کربلا در کتب چاپ سنگی عصر ... / مصطفی لعل شاطری و همکاران

- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۱۶ق)، **التشريف بالمنن في التعريف بالفتن**، قم: مؤسسة صاحب الأمر (عج).
- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۵ش)، **كشف المحجة لثمرة المهج**، تحقیق محمد حسن، قم: بوستان کتاب.
- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ق)، **الأمان من أخطار الأسفار والأزمان**، قم: آل البيت (ع).
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ش)، **اللاهف على قتلى الطفوف**، تهران: جهان.
- ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، (بی تا)، **بلاغات النساء**، قم: شریف رضی.
- ابن فقیه، (۱۴۱۶ق)، **البلدان**، تحقیق یوسف الهادی، بیروت: عالم الكتب.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، **کامل الزیارات**، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف: دار المرتضوية.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد، (۱۴۰۶ق)، **مشیر الأحران**، قم: مدرسه امام مهدی.
- ابن هشام، (بی تا)، **السيرة النبوية**، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلی، بیروت: دار المعرفة.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، **وقعة الطف**، قم: جامعه مدرسین.
- اربلی، محدث، (۱۳۸۲ش)، **كشف الغمة**، ترجمه علی زوارهای، تهران: اسلامیه.
- بابازاده، شهلا، (۱۳۷۸ش)، **تاریخ چاپ در ایران**، تهران: کتابخانه طهوری.
- بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۳ق)، **مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر**، قم: موسسه معارف اسلامیه.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله، (۱۴۱۳ق)، **عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال**، تحقیق محمد باقر موحد ابطحی، قم: مؤسسه الإمام المهدي (عج).
- بکری، احمد بن عبدالله، (۱۴۱۱ق)، **الأنوار في مولد النبي (ص)**، تحقیق احمد روحانی، قم: دار الشریف الرضی.
- بلعمی، (۱۳۷۸ش)، **تاریخنامه طبری**، به کوشش محمد روشن، تهران: سروش.
- بورخس، خورشه، (۱۳۸۰ش)، **موجودات خیالی**، ترجمه احمد اخوت، تهران: ماه ریز.
- بوذری، علی، (۱۳۹۰ش)، **چهل طوفان**، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- بیهقی، ابو بکر، (۱۳۶۱ش)، **دلایل النبوة**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- جزائری، نعمت الله، (۱۴۲۷ق)، **ریاض الأبرار في مناقب الأئمة الاطهار**، بیروت: التاريخ العربی.
- جونز، آلسیون، (۱۳۸۸ش)، **فرهنگ لاروس**، ترجمه منیره احمد سلطانی، تهران: روزگار.
- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشيعة**، قم: آل البيت (ع).
- حسینی موسوی، محمد، (۱۴۱۸ق)، **تسلیة المُجالس و زینة المُجالس**، تحقیق کریم حسن، قم: المعارف الإسلامية.

- خرگوشی، ابوسعید واعظ، (۱۳۶۱ش)، **شرف‌النبی**، تحقیق محمد روشن، تهران: بابک.
- خصیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۹ق)، **الهدایه الکبری**، بیروت: البلاغ.
- راغب‌اصفهان‌ی، حسن بن محمد، (۱۳۶۲ش)، **مفردات الفاظ القرآن**، تهران: مرتضوی.
- رازی، محمد، (بی‌تا)، **نزهة الکرام**، تهران: دانشگاه تهران.
- روزبهان‌خنجی، فضل‌الله، (۱۳۷۵ش)، **وسيلة الخادم إلى المخدوم**، قم: انصاریان.
- شایسته‌فر، مهناز، (۱۳۸۹ش)، «**حضور واقعه عاشورا در نگارگری صفوی و قاجاری**»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۵۰: ۸۷-۸۲.
- شجنگلوا، المپیادا پاولنا، (۱۳۸۸ش)، **تاریخ چاپ سنگی در ایران**، ترجمه پروین منزوی، تهران: معین.
- شیعی سبزواری، حسن بن حسین، (۱۳۷۸ش)، **راحة الأرواح**، تهران: اهل قلم.
- شین‌دشتگل، هلنا، (۱۳۸۹ش)، **معراج نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی**، تهران: علمی و فرهنگی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، ج ۱، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد: مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ق)، **إعلام الوری بأعلام الهدی**، تهران: اسلامیه.
- طبری‌آملی، عماد‌الدین، (۱۳۸۳ش)، **بشارة المصطفی لشیعة المرتضی**، نجف: مکتبه حیدریه.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵ش)، **تاریخ طبری**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طبری، عماد‌الدین، (۱۳۷۹ش)، **مناقب الطاهرين**، ج ۲، تهران: بی‌نا.
- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق)، **الأمالی**، قم: دار الثقافه.
- فتال‌نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ش)، **روضه الواعظین و بصیره المتعظین**، ج ۱، قم: رضی.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ق)، **العین**، قم: هجرت.
- قطب‌الدین‌راوندی، سعید بن هبه‌الله، (۱۴۰۹ق)، **قصص الأنبياء**، محقق غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- قطب‌الدین‌راوندی، سعید بن هبه‌الله، (۱۳۷۸ش)، **جلوه‌های اعجاز معصومین**، ترجمه حسین محرمی، قم: اسلامی.
- عاملی‌نباطی، علی بن محمد، (۱۳۸۴ش)، **الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم**، نجف: مکتبه حیدریه.
- عروسی‌حویزی، عبد‌علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نور الثقلین**، قم: اسماعیلیان.
- عکاشه، ثروت، (۱۳۸۰ش)، **نگارگری اسلامی**، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: حوزه هنری.

۱۷۰ / بررسی تطبیقی تصاویر جنیان حاضر در کربلا در کتب چاپ سنگی عصر ... / مصطفی لعل شاطری و همکاران

- علم الهدی، علی بن حسین، (۱۹۹۸م)، *أمالی المرتضی*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار الفکر.
- علوی، محمد بن علی، (۱۴۲۸ق)، *المناقب العلوی (الکتاب العتیق)*، تحقیق حسین موسوی بروجردی، قم: دلیل ما.
- علی بن موسی، (۱۴۰۶ق)، *صحیفه الإمام الرضا (ع)*، تحقیق محمد مهدی نجف، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع).
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۲ش)، *الروضة من الکافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات کوفی*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- لعل شاطری، مصطفی، (۱۳۹۴ش)، «*بررسی تحلیلی تصاویر التزام امام حسین (ع) در محضر حضرت علی (ع)*؛ با تکیه بر نقاشی‌های دوره قاجار»، صحیفه اهل بیت، شماره ۲: ۵۳۰-۴۸۷.
- لعل شاطری، مصطفی، (۱۳۹۷ش)، *نخستین رویارویی‌های هنر عصر ناصری با هنر غرب (موسیقی، نمایش، نقاشی)*، مشهد: مرندیز.
- مارزلف، اولریش، (۱۳۹۰ش)، *تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی*، ترجمه شهرزاد مهاجر، تهران: نظر.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۵۱ش)، *آسمان و جهان* (ترجمه جلد ۵۴ بحار)، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۳ش)، *امامت* (جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار)، ترجمه موسی خسروی، تهران: اسلامیه.
- محمدی، رامونا، (۱۳۸۹ش)، *تاریخ و سبک‌شناسی تکارگری و نقاشی ایرانی*، تهران: فارسیران.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۴ش)، *تاریخ گزیده*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۲۶ق)، *اثبات الوصیة*، قم: انصاریان.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۴ش)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۸ش)، *مجموعه آثار؛ سیری در سیره ائمه اطهار (ع)*، تهران: صدرا.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، (بی‌تا)، *البدء و التاریخ*، ج ۳، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
- نوری، میرزا حسین، (۱۳۸۸ش)، *لولو مرجان*، تهران: آفاق.
- واعظ کاشفی، حسین، (۱۳۸۰ش)، *روضه الشهداء*، تهران: اسلامیه.
- واقدی، محمد بن سعد، (۱۳۷۴ش)، *طبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- هروی، محمد شریف، (۱۳۶۳ش)، *انواریه*؛ ترجمه و شرح حکمه الاشراف سهروردی، تهران: امیرکبیر.



- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶ش)، **فرهنگ اساطیر**، تهران: فرهنگ معاصر.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۷۱ش)، **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

### نسخ چاپ سنگی

- جوهری، میرزا محمد ابراهیم، (۱۲۷۰ق)، **طوفان البکاء**، کاتب: نامعلوم، تصویرگر: میرزا علی‌قلی خوئی، ناشر: میرزا اسدالله، (۱۲۶ برگ، ۲۹ تصویر).
- جوهری، میرزا محمد ابراهیم، (۱۲۷۲ق) (الف)، **طوفان البکاء**، کاتب: عبدالغفار خوانساری، تصویرگر: میرزا علی‌قلی خوئی، بی‌نا، (۱۲۶ برگ، ۲۲ تصویر).
- جوهری، میرزا محمد ابراهیم، (۱۲۷۲ق) (ب)، **طوفان البکاء**، کاتب: اکبر بیدهندی، تصویرگر: میرزا علی‌قلی خوئی، ناشر: اسماعیل خوانساری، (۱۲۶ برگ، ۳۷ تصویر).
- جوهری، میرزا محمد ابراهیم، (۱۲۹۲ق)، **طوفان البکاء**، کاتب: نامعلوم، تصویرگر: نامعلوم، ناشر: ملاحسن و محمد بن ملا علی خوانساری، (۲۱۵ برگ، ۷ تصویر).
- جوهری، میرزا محمد ابراهیم، (۱۳۰۳ق)، **طوفان البکاء**، کاتب: نامعلوم، تصویرگر: ناشر: سید مرتضی، (۳۱۹ برگ، ۷ تصویر).
- جوهری، میرزا محمد ابراهیم، (۱۳۰۴ق)، **طوفان البکاء**، کاتب: محمد محسن بن جواد الحسینی جرفادقانی، تصویرگر: میرزا نصرالله، ناشر: شیخ رضا تاجر کتابفروش، (۲۹۶ برگ، ۷ تصویر).

### منابع انگلیسی

- Al-Ashqar, U.S, (2003), *The world of the Jinn & devils in the light of the Qur'an and Sunnah, Islamic Creed Series*, Columbia, NC: International Islamic Publishing House.
- Azizi, Farzaneh, (2010), "Government- Sponsored Iranian Medical Students Abroad (1811-1935)", *Iranian Studies*, Vol 43, pp 349-363.
- Diba, Layla, (2013), "*Qajar Photography and its Relationship to Iranian Art: A Reassessment*", *History of Photography*, Vol 37, pp 85-98.
- El-Zein, Amira, (2009), *Islam, Arabs, and the Intelligent World of the Jinn*, Syracuse: University Press.
- Emami, Farshid, (2017). "*The Lithographic Image and Its Audiences*", in: *Technologies of the Image: Art in 19th Century Iran*, eds David J Roxburgh and Mary McWilliams, Cambridge: Harvard Art Museums. pp 55-79.
- Green, Nile, (2010), "*Stones from Bavaria: Iranian Lithography in its Global Contexts*", *Iranian Studies*, Vol 43, pp 305-331.
- Khalifa, N, (2005), "*Possession and Jinn*", *Journal of Royal Society of Medicine*, Vol 98, pp 351-353.
- Marzolph, Ulrich, (1999), "*Bahram Gur's spectacular marksmanship and the art of illustration in Qajar lithographed books*". In: *Studies in Honour of Clifford Edmund Bosworth*, Vol 2, ed. Carole Hillenbrand, Leiden: Brill, pp 331-347.

## References in English

- The Holy Quran.
- Abu Mikhnaf Kofi, Lot Ibn Yahya. 1997. Battle of Karbala. Jameat Al-Modarsin, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Akashe, Thervat. 2001. Negargari Islami. translation by Gholamreza Tahmi. Art Center, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Alam al-Hoda, Ali ibn Hussein. 1998. Amali al-Mortazee, Research by Mohammed Abolfazl Ibrahim. Dar al-Fakr, Cairo. (In Persian) (**Book**)
- Al-Ashqar, U.S. 2003. The world of the Jinn & devils in the light of the Qur'an and Sunnah. Islamic Creed Series, Columbia, NC: International Islamic Publishing House. (In English) (**Book**)
- Alavi, Muhammad ibn Ali. 2007. al-Managheb al-Alavi (al-Kitab al-Atiq). Research by Hossein Mousavi Boroujerdi. Dalile Ma, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Al-Bayhaqi, Abū Bakr. 1982. Dalael Al-Nabuvah. Translation by Mahmood Mahdwi Dhamghani. Aalmi and Farhangi, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Al-Hurr al-Amili, Muhammad ibn Hassan. 1989. Wasā'il al-Shī'a, Al Al-Bayt. Qom. (In Persian) (**Book**)
- Ali ibn Musa. 1986 . Sahifi al-Amam al-Reza (AS). Research by Mohammad Mehdi Najaf. World Congress of Imam Reza, Mashhad. (In Persian) (**Book**)
- al-Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. 2003. *Rawdat al-Kāfi*, Translated by Mohammad Baqir Kameraie. Islamia, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Al-Maqdisi, Mottahar ibn Taher. Al-Bada wa Al-Tarikh.vol., 3. Maktabat Al-Qaddafi al-Dini'I, Cairo. (In Persian) (**Book**)
- Al-Masudi, Ali ibn Hussein. 1995. Muruj adh-dhab wa ma'adin al-jawahir. Translated by Abolghasem Payande. Scientific and Cultural, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Al-Masudi, Ali ibn Hussein. 2006. Esbat al-wasiya. Ansarians, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Al-Waqidi, Mohammad ibn Saad. 1995. Kitab at-Tabaqat Al-Kabir. translated by Mahmoud Mahdavi Damgani. Culture and Thought, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ameli Nabati, Ali ibn Muhammad. 2005. Al-Sara'at al-Mustqim ela Mostahaghi Al-Taghdim. Maktab Al-Heidariye, Najaf. (In Persian) (**Book**)
- Arbili, Mihadeth. 2003. Kashfol Al-Ghome. Translated by Ali Zavarhay. Islamiye, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Arusi Huveizi, Abdo Ali Ibn Joma. 1995. Tafsir Nor Al-Thaghalein. Ismailiyan, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Avicenna, Hussein bin Abdullah. 1987. Ḥayy ibn Yaqzān. translated and explained by Jouzjani, Published by Daneshgahi, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Azhand, Ya'qub. 2010. Painting of Iran. Samt, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Azizi, Farzaneh. 2010. "Government- Sponsored Iranian Medical Students Abroad (1811–1935)". Iranian Studies. Vol 43, pp 349-363. (In English) (**Journal**)
- Babazadeh, Shahlā. 1999. Tarikh Chap Dar Iran. Library of Tahori, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Bakri, Ahmad bin Abdullah .1991. Al-Anwar Fi Molude Al-Nabi. Research of Ahmed Rouhani. Dar al-Sharif Razi, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Bal'ami,(1999) Tarikhnama Tabari. by Mohammad Roshan. Soroush, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Bohrani Isfahani, Abdullah.1993. Avalem Al-Ulum wa Ma'aref Al-Ahval men Al-Ayat wa Al-Akhbar wa Al-Aghval. Research of Mohammad Baqer Movahed Abtahi. Institute of Imam Al Mahdi, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Bohrani, Seyed hashem. 1993. Madinat Al-Moajez Al-Aemat Al-Athna Ashar. Institute of Ma'aref Islami, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Borges, Jorge Luis. 2001. Ficciones. Translation by Ahmad Okhovat. MahRiz, Tehran. (In Persian) (**Book**)

- Bouzari, Ali. 2011. Chehel Tufan. Library, Museum and Documents Center of the Islamic Consultative Assembly, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Diba, Layla. 2013. "Qajar Photography and its Relationship to Iranian Art: A Reassessment". History of Photography. Vol 37. pp 85-98. (In English) **(Journal)**
- El-Zein, Amira. 2009. Islam, Arabs, and the Intelligent World of the Jinn. Syracuse: University Press. (In English) **(Book)**
- Emami, Farshid. 2017. "The Lithographic Image and Its Audiences". In: Technologies of the Image: Art in 19th Century Iran. eds David J Roxburgh and Mary McWilliams. Harvard Art Museums, Cambridge. pp 55-79. (In English) **(Journal)**
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. 1989. Al Ain. Hijra, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Fattal Nishabouri, Muhammad ibn Ahmad. 1996. Rozat Al-Va'ezin wa Basirat Al-Mote'azin. Vol.,1. Razi, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Green, Nile. 2010). "Stones from Bavaria: Iranian Lithography in its Global Contexts". Iranian Studies. Vol 43, pp 305-331. (In English) **(Journal)**
- Heravi, Mohammad Sharif.1984. Anvari. Translation and Commentary by Suhrawardi. Amir Kabir, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Hussaini, Musawi, Muhammad. 1998. Tasliyat Al-Majales wa Zinat Al-Majales. Research of Karim Hassoun. Al-Ma'aref Al-Islamiyah, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Abd Al-hadid,'Abd al-Hamid. 1984. Sharhe Nahj al-Balaghah. Abolfazl Ibrahim's research Ayatollah Marashi's school, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ibn al-Athir, Ali 'Izz al-Din. 1992. Al-Kamel. translated by Abulqasem and Abbas Khalili. Scientific, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ibn al-Jawzi, Abu 'l-Farash. 1992. Al-Muntazam fi tārīkh al-mulūk wa-al-umam . Research of Mohammed Abdul Qadir Atta. Darlfeb, Beirut. (In Persian) **(Book)**
- Ibn al-Jawzi, Abu 'l-Farash. 2000. Tazkarat Al-khavas. translated by Mohammed Reza Atai. Astan Quds Razavi, Mashhad. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn 'Ali. 1993. Al-Amali. Researched by Hussein Ostadvali. Kangarah Sheikh Mufid, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn 'Ali. 1993. Kitab Al-Irshad. Kangarah Sheikh Mufid, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn 'Ali. 2001. Elal Al-Sharaa. translated by Muhammad Javad Zehni Tehrani. Mu'minin, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn 'Ali.(n.d) Oyoun Akhbar Al-Ridha. Translated by Mohammad Taghi Agha Najafi Isfahani. Islamiye, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Betrigh, Yahya Bin Hassan. 1987. Omdato Oun Sahah Al-Akhbar Fi Managheb Imam Al\_ abrar. Islami, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Faghieh. 1996. Al-Buldan. Research of Yusuf Al-Hadi. Alam Al-Ketab, Beirut. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Habib, Abujaafar Muhammad.(n.d) Al Mohabar, the investigation of Elazah Lekhten Stetter. Dar Al-Afagh, Beirut. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Hamza Tusi, Muhammad ibn Ali. 1999. Al-thagheb Fi Al-Managheb. Reseach of Nabil Reza Alwan. Ansarian, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Hisham. Sirat Ibn Hisham.(n.d) The investigation of Mustafa Al-Sakka, Ibrahim Al-Abiari and Abdel-Hafiz Shalaby. Dar al-Maarifah, Beirut. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Khaldun, Abdulrahman. 1996. Muqaddimah. Vol 1&2. translated by Muhammad Parvin Ghabadi. scientific and Farhangi, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Nama Heli, Jaafar ibn Muhammad. 1986. Mathir Al-Ahzan. Madrese Imam Mahdi, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Qulawayh. Ja'far ibn Muhammad. 1977. Kamel al-Zeyarat. Research of Abd al-Hussain Amini. Dar al-Murtazaviye, Najaf. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Sayyid al-Nās, Abu-Fath Muhammad. 1994. Ayoon Al-Athar Fi Foonon Al-Maghzi wa Al-Shamayel wa Al-Seiar. Dar Al-ghalam, Beirut. (In Persian) **(Book)**
- Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn Ali. 2000. Managheb al-Abi Talib. Alame, Qom. (In Persian) **(Book)**

- Ibn Shazan -qami, Abu Fazl Shathan ibn Jabril. 1984. Al-Fazael. Razi, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Ibn Tawus, Ali bin Musa. 1969. Al- Lohoo. Jahan, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ibn Tawus, Ali bin Musa. 1989. Al-Aman Men Akhtar Al-Asfar wa Al-Zman. Al Al-Bayt. Qom. (In Persian) (**Book**)
- Ibn Tawus, Ali bin Musa. 1991. Muhaj Al-da'awat Wa Manhaj Al-'ibadat. Research of Abutaleb Kermani. Dar Al-Zakhaer, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Ibn Tawus, Ali bin Musa. 1995. Al-Dro Al-Vaghit. Al Al-Bayt. Beirut. (In Persian) (**Book**)
- Ibn Tawus, Ali bin Musa. 1996. Al-Muhaj Lesamarato Al-Muhaj. Research of Mohammed Hassoun. Bostan book, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Ibn Tawus, Ali bin Musa. 1996. Al-Tashrif Bel Manan Fi Al-Tarif Bel Fetan. Institute of Saheb Al-Amr, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Ibn Tawus, Ali bin Musa.(n.d) Saad al-Saud Lel Nofos Manzod. Dar Al-Zakhaer, Qom. (**Book**)
- Ibn Tayfur, Ahmad bin Abi Taher.(n.d) Balaghat Al-Nesa. Sharif Rizi, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Jazaeri, Naamatallah. 2006. Ryaz Al-Abrrar fi Managheb A'emmat Al-Athar. Tarikh Al-Arabi, Beirut. (In Persian) (**Book**)
- Johns, Alston. 2009. Farhang Laros, Translated by Munira Ahmed Sultani Rozegar, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Khalifa, N. 2005. "Possession and Jinn". Journal of Royal Society of Medicine. Vol 98, pp 351-353. (In English) (**Journal**)
- Khargoushi, Abu Saeed Va'ez. 1982. Sharaf al-Nabi. Research of Muhammad Rushin. Babek, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Khasiby, Hussain bin Hamdan. 1999. al-Hadayeh al-Kubra. Al-Balagh, Beirut. (In Persian) (**Book**)
- Khunji Ruzbihan, Fazlallah. 1996. Vasilat Al-Khadem Ela Al-Makhdom. Ansariyan, Qom. (In Persian) (**Book**)
- Kufi, Furat ibn Ibrahim. 1990. Tafsir Furat Kufi Ministry of Islamic Guidance, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Lal Shateri, Mostafa. 2015. "An Analytical Study of Imam Hossein's Imposing Pictures in the Presence of Imam Ali; Based on the Drawings of the Qajar Period ". Sahifeh Ahl Beit. No. 2: 530-487. (In Persian) (**Journal**)
- Lal Shateri, Mostafa. 2018. The First Encounters of Naseri Art with Western Art (music, Theater, painting). Marandiz, Mashhad. (In Persian) (**Book**)
- Majlesi, Mohammad Baqer. 1972. Alsama wa al-alam. Translated by Mohammad Bagher Kamerei. Islamia, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Majlesi, Mohammad Baqer. 1983. Bihar al-Anwar. Dar al-iyah al-thorath al-Arabi, Beirut. (In Persian) (**Book**)
- Majlesi, Mohammad Baqer. 1984. Imamate (Volume 23 to 27 Bihar), Translated by Musa Khosravi. Islamia, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Marzolph, Ulrich. 2011. Tasvirsazi Dastani dar Ketabhaye Chape Sangi. Translated by Shahrooz Mohajer. Nazar, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Marzolph, Ulrich. 1999. "Bahram Gur's spectacular marksmanship and the art of illustration in Qajar lithographed books". In: Studies in Honour of Clifford Edmund Bosworth. Vol 2, ed. Carole Hillenbrand. Leiden: Brill, pp 331-347. (In English) (**Journal**)
- Mohammadi, Ramona. 2010. Tarikh wa sabkshenasi, Negargari wa Naghashi Irani. Farsiran, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Motahhari ,Morteza. 1979. Majmo Athar; Seiri dar Sira Aeme Athar. Sadra, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Mustawfi, Hamdallah. 1985. Tarikh-i guzida. by Abdolhossein Nava'i. Amirkabir, Tehran. (In Persian) (**Book**)

- Nouri, Mirza Hussein. 2009. Lulu Marjan. Afaq, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Qutb al-Din Ravandi, Saeed ibn Haba Allah. 1989. Ghesas Al-Anbiya. Researcher Gholam Reza Erfanian Yazdi. Islamic Research Foundation, Mashhad. (In Persian) **(Book)**
- Qutb al-Din Ravandi, Saeed ibn Haba Allah. 1999. Jelvehaye Ejaze Masomim. translation of Hossein Muharrami. Islami, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Ragheb Isfahani, Hasan ibn Muhammad. 1983. Mofradat al-Faz al-Quran. Mortazavi, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Razi, Mohammad. (n.d) Nazhat Al Karram. Tehran University, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Shayestehfar, Mahnaz. 2010. "Hozore Vaghe Ashora dar Negargari Safavi wa Qajar. Ketab Mah Honar. No., 150. (In Persian) **(Journal)**
- Shchiglova, Olympiada Pavlena. 2009. The date of the lithography in Iran, translated by Parvin Monzavi. Moin, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Shi'ie, Sabzevari, Hasan ibn Hussein. 1999. Rahat Al-Arvah. Ahle Ghalam, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Shin Dashtgul, Helena. 2010. Merajnegari Noskhehaye Khati Ta Naghashihaye Mardomi. Scientific and Cultural, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Tabari Amali, Emad Eddin. 2004. Bishara Al-Mustafa Le Shaya Al-Murtada. Maktab Heidarieh, Najaf. (In Persian) **(Book)**
- Tabari, Imad Al-Din. 2000. Mnagheb Altaherin. Vol., 2. Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. 1996. Tarikh Tabari. Translated by Abu-Qasim Paindeh. Athatir, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali. 1983. Ehtajaj Ala Ahlel Al-jaj. Vol.,1. Research of Muhammad Baqir Khorsan. Murtaza, Mashhad. (In Persian) **(Book)**
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan. 2011. Alam Al-vara Be Alam Al-Hoda. Islamiye, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Tabataba'i, Sayed Muhammad Hussein, 1997. Tafsir al-Mizan. Islami publishing office, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. 1994. Amali. House of Culture, Qom. (In Persian) **(Book)**
- Vaezakashfi, Hossein. 2001. Rozeh al-Shohada. Islamia, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Yahaghi, Mohammad Jafar. 2007. Farhang Asatir. Contemporary Culture, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ya'qubi, Ahmad ibn Abi Ya'qub. 1992. Tarikh al-Yaqubi. Translated by Mohammad Ibrahim Ayati. Scientific and Cultural, Tehran. (In Persian) **(Book)**

### **Manuscript of stone printing**

- Johari, Mirza Mohammad Ibrahim, 1875. Tawfan Al-Baka. Writer by Unknown. Illustrator: Unknown. Publisher: Moulhassen and Mohammad ibn Mullah Ali Khansari. (215 pages, 7 images).
- Johari, Mirza Mohammad Ibrahim. 1854. Tofan al-Baka. Writer by Unknown. Illustrator: Mirza Ali-Ali Khoie. Publisher: Mirza Asadullah. (126 pages, 29 images).
- Johari, Mirza Mohammad Ibrahim. 1856 (b). Tofan al-Baka. Written by Akbar Bidandi. Illustrator: Mirza Ali-e-Ali Khoi. Publisher: Ismail Khansari. (126 pages, 37 images).
- Johari, Mirza Muhammad Ibrahim. 1856 (a). Tawfan al-Baka. Written by Abdul Ghafar Khansari. Illustrator: Mirza Ali-Ali Khui. Bi. (126 pages, 22 images).
- Johari, Mirza Muhammad Ibrahim. 1924. Tofan al-Baka. Writer by Unknown. Illustrator: Publisher: Seyed Morteza. (319 pages, 7 images).
- Johari, Mirza Muhammad Ibrahim. 1925 . Tawfan al-Baka. Written by Mohammad Mohsen bin Javad al-Hussein Jarfadqani. Illustrator: Mirza Nasrallah. Publisher: Sheikh Reza Tajr Bookstore. (296 pages, 7 images).

## **A comparative study of Images of Jinns in Karbala in lithographed Books of Naseri era with Islamic Narratives: A case Study of Toofan-al-Bokae<sup>1</sup>**

**Mostafa Lal Shateri<sup>2</sup>**  
**Hadi Vakili<sup>3</sup>**  
**Ali Nazemian Frad<sup>4</sup>**

Received: 15/01/2019  
Accepted: 09/03/2019

### **Abstract**

According to the religious narratives, Jinn is an immaterial creature that which occupies a lower position and to its inorganic intelligence and existence in the hierarchy of the universe, than humans and higher than animals. According to the Islamic narratives, a group of Jinns believed to the Holy Prophet (PBUH) after his revelation (Bi'that) and became Muslim. After the death of the Holy Prophet (PBUH), they followed the Imams (PBUt) and when necessary, expressed their readiness to sacrifice. Reports on the presence of a group of them in Karbala to support Imam Hussain (PBUH) can be considered as an example the meeting of a A group of Jinns with Imam Hussain (PBUH) in Karbala is a topic that was of interest to illustrators and artists of Qajar era and led to creation of some images in this area. Through method and content analysis of images, this present article seeks to answer the question that to what extent the images in Toofan-al-Bokae lithography in Naseri era (regardless of historical reliability/lack of reliability) (1264-1313 AH) are consistent with Islamic narratives. we also try resolves some ambiguities regarding the presence of Za'far.

**Keywords:** Jinn, Imam Hussain, Karbala, Lithography, Toofan-al-Bokae, Naseri era.

---

1 . DOI: 10.22051/hph.2018.3622

2 . PhD Student in History of Islamic Iran. Ferdowsi University of Mashhad; [mostafa.shateri@yahoo.com](mailto:mostafa.shateri@yahoo.com)

3 . Associate Professor. Department of History. Ferdowsi University of Mashhad; [vakili@um.ac.ir](mailto:vakili@um.ac.ir)

4 . Associate Professor. Department of History. Ferdowsi University of Mashhad; [nazemian@um.ac.ir](mailto:nazemian@um.ac.ir)

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507